

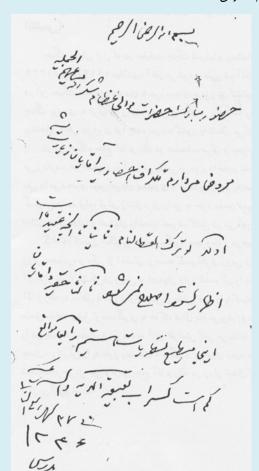
قیام علما برعلیه استبداد و دین ستیزی رضاخانی، حرکتی همه جانبه با هدف استقرار مشروطیت و اجرای قوانین اسلامی بود که در قالب اعتراض به قانون نظام وظیفه اَغاز و ابعاد گستردهای را نشانه گرفت. هراس و واهمه رژیم پهلوی از این قیام مقدس و رهبری شجاع آن حکایت از آن دارد که علما گامی بزرگ برای ناکام کردن استبداد پهلوی و استعمار بریتانیا برداشته و در صدد رهایی ایران از استبداد و استعمار بودند. نگاهی به برخی از اسناد 🗖 🔘 تاریخی در این زمینه ابعاد مختلف این قیام را آشکار می سازد.



عین نامه مرحوم مدرس

بسماللهالرحمن الرحيم

حضور مبارك حضرات موالى عظام شكرالله مساعيهم الجميله معروض مى دارم: تلكراف احضاريه أقايان زيارت شد. اولاً لوترك الغطاء لنام؛ ثانياً تا أنچه عقيده است اظهار نشود اصلاح نمي شود؛ ثالثاً حقير و أقايان اين جا مطيع نظريات هستيم؛ رابعاً موانع كم است، كسراب بقيعه. والسلام



وحدت كلمه

پشتیبانی شهید مدرس و سایر علما از حاج آقا نورالله و تأكيد بر مقاومت

نامه أيت العظمى أقاسيد ابوالحسن اصفهاني به حاج أقا نورالله دربارهٔ نحوهٔ مقابله با دین ستیزان و بیگانه پرستان

از نجف اشرف به قم

بسمالله الرحمن الرحيم

حضور مستطاب شريعتمدار كهفالانام مرجعالاحكام وحجةالاسلام والمسلمين أقاى حاج شيخ نورالله دامت بركاته ـ بعرض عالى مىرساند امید پیوسته وجود محترم عالی در پناه حضرت حق جل و علا موید به تاءییدات در ترویج شرع اقدس بوده باشد. مرقومه شریفه به امضای حضرت عالى و هيئت علميه واصل راجع به پيش آمدهاي حاليه و مسئله نظار شرحی مرقوم داشته بودند اما مسئله اولی البته اهتمام در جلوگیری از مفاسد دینیه اولین وظیفه هر مسلمی و لاسیما علما و روحانیین است ولیکن هرچه تاءمل شده و می شود طریق اصلاحی بعد از مدد غیبی به نظر نمی یاید الا همراه کردن مقام سلطنت و آن هم موقوف است به اینکه سوءتفاهمی واقع نشود که موید خیالات و شاهد صدق و دلیل و برهان لامذهبان بشود که بعضی مطالب را جلوه دادهاند که نفوذ روحانیین به بعضی تقیدات مانع از نفوذ سلطنت و آبادی مملکت است باید به وسائل صحيحه فهماند قضيه برعكس است اين كونه اشخاص في الحقيقه كاركن اجانبند که به این دسائس می خواهند آنها را رواج دهند و تصفیه طریق برای آنها می کنند چون برای آنها دو سد بزرگ است در بلاد ایران یکی نفوذ روحانیین و مسموعالکلمه بودن ایشان ویکی تقید عامه ناس به عنوان دینیه و تعینات اسلامیه اگر این دو مطلب از بین رفت یا تضعیف شد رواج یافتن بعضی مسالک در بلاد سهل است با قرب اخبار و بالجمله طریق اصلاح منحصر به همین است که به حسب ظاهر مقام سلطنت همراه شود که این عناصر فاسدهای که در همه جا و هر اداره داخل شده و زمامداری غالب امور بید آنهاست دور و بجای آنها اشخاص صالحه قرار داده شود كم كم امور رو باصلاح خواهد گذاشت خصوصاً اگر جدا معتقد شد که علما فی الواقع معاضد و مساعد او و دیانت پشتیبان سلطنت اوست و جلب و جذب قلوب عامه که اهم مطالب است منوط به عنایت داشتن به این مطلب امر را منحصر دانسته که اعزام شخص متدین عاقل با لسانی

بره با معرب شوج د حرم کا درینا ، هر نظر ا عدر مانداك ورود انع افدر بوده النيم مرد مرفع المف وم الظيه واحد راجع برستوارد } بعالمي ومندنا رف الحدفداما منعداو والسنراجا الانطوكري زمف مدينياد ولالساعلاء دوعاني لكن برعب عرف ومنو دط فاصلا سَطُ مَا مالد مرا مردن معلى عطن دان مودول الما مرا مردن معلى عطن دان مودول المرا مردن معلى المرا مردن مودول المرا مردن مردول المرا مردن مردول المرا مردول المرا مردول المردول حلوه والمه كونفوذ واحامين وتفيد سيعن عدرا المنفوذ ملكت بدو بوصي ما مدف والكون الكون ال كارى ما ندكر ان درائع ماله را معزام رداع دم برى به مكسور و يا كامه دو برو زوك ورباداراد روعانين وسمع الكل لودن إفا وكا تفعدها عبرناس معوالمر العامية أكراس وطلك إنس وفت يا تصفيف رواح مزياه دريد الماك المراق والمالم والمالية والمالية على مراه الودكر النعاع فالمروكر ورمي ومراداره دامل وزه م دارین دا مورسدان و دور و کال ایمی عادرا ع كم الموروما علاه فو المركزية عنوما الرهد المعنفية فركولية ا معاصروم عداد وليان بران الما اور وملاصله عام كرام مل ب مزط بعنا الدونين من والعباب

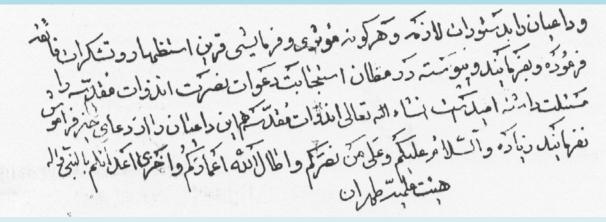
وم براى الخارا بالمطلب ليمروا محدود كمداع المخص الني المعشر بعاول ك لبة دكرانفا عن مل اسرامهما مد الزهرام والألاب ب (ف الجراف) معنون إسمعيد، ند وبفرائ فري كرين اردمن مردكومد المستكرمين ا كا دوسه برايع الم والم سنديف را بهر امون الم المواقع علفت والسراي عوا موالده كوامندكة في واكوار تعفي الهالعلام الله و مرار المرسية المرام أو مرسورا من المرسورات المرس الناص ورع مافت و تعفر او نداد مفل عوض الدو معدارانكرام الواروداوي ب روسه الله عافر دانها د الرواع دمال علاد ران م و ما مده وس م راهم ای ن وار ایم وارات به دخوراندوس در ما این ساف در شم بهن دوسرلها مطعت مراف در اسکرین (نا بمرسم ملم عورات مدام دله وفي والردام اصلاع وزنام بعنيل الديستراخ كردفع فالم افرتود المالما ف د مد شرو و ما فرود الارمنع درزمان ترف عرالها) رفاري مرزا آنو لمسروودي مع العرصال مردم والرابطة المناء معدانا مرصدف و اسمر موروما ده جوى فرسوارنا الاخ دوال ا فرج وبسعام علی درج الدول مر دوا شیرمغیان ، نهشتطیددات نیرانهرا سیاع سلام و د کاکومی 249011

بشود که شفاهاً بعضی مطالب را بفهماند اگر حضرت عالی و سایر آقایان به این طریق داخل شوید مظنون آنست مفید باشد و به غیر این طریق به حسب ظاهر اَهن سرد کوبیدن است مگر ید غیبی بعضی مقتضیات را ایجاد و بعضی موانع را رفع نماید و اما مسئله نظار آنهم از متفرعات مساعدت مقام سلطنت است و البته اين عوامل فاسده نخواهند گذاشت و اگر از بعضی از آنها لفظاً مساعدت شود هزار گربه رقصانی خواهند کرد که مقدمات عقیم شود چنانکه بعد از جدیت در انتخاب اشخاص در قم مناقشاتی بعضی کردند که مطلب معوق ماند و بعد از آنکه امر ناگوار و ایادی بسیار در بین باشد باب مناقشه و اشکال تراشی و اسع و سهل است علاوه برأن چون صلاح چنان دیدیم مراجعه به اقایان مرکز کنیم و از ایشان نستوری آمد و در بعضی از جهات آن مناقشه داشتیم به همین رد و بدلها مطلب تأخير افتاد تا اينكه بهبينيم در انتخاب جديد چه مي كنيم. غرض أن است شهدالله دل ما هم خون است و اگر راهی برای اصلاح و انجام بعضى مطلب داشته باشد كه رفع همه مفاسد شود بلكه احداث فساد بلانتیجه نشود حاضر و فداکار هستیم . در زمان تشریف جناب حجه الاسلام أقاى حاج ميرزا ابوالحسن بروجردى بعضى عرايض خدمتشان نمودم که اگر ابلاغ نمودهاند بعد از تأمل تصدیق خواهند فرمود زیاده چه عرض كنم اسئل الله تعالى الفرج و السلام عليكم و رحمه الله و بركاته ذوات شريفه آقايان هيئت علميه دامت تأييداتهم را مبلغ سلام و دعاگو است. ١٢ ربيعالثاني ١٣٤۶ الاحقر ابوالحسن اصفهاني

مَعْرَضُ عُمَا لَي مَارِ اللَّهِ مِن الْحِيرَ مِن كَيْفِالْمِ اللَّهِ مِنْ الْكِفَارِ عِمَا لُولِ فِينَا وَالْجِأْ انارا الدمر باعلام طاء أعلاءت ودران أمامر سب ادراد قوا الرواعث ارجاهى واعضا دخادي زبارة أذا ستقري وملتهن نوامس عفاته اسلام وعليا واعلام قولا وكنبا وعملا من أكد ولحدور تجرفيته والمتر عكم نفلاف فالمومم الرقب لملوب مَعَكُورَيْكُ إِن ادَّى مَصْت وفِاء مُعْلاء اَعَلام وسُعِمان السلام حُون بَيْد لَرَدان مُت بَن مكا منع الدا مرومفاً طاسم في أورخُ مَن مهالاناء واحب و معني ملك معرواع فاله ناب درمفا مرما فعد ادكفر العي وجاهد وبمفاد ان مفرالله بنصر و دُراسالال مم بفؤونصَّهِ الهِي وَمَلْاَخَهِمَا مُهْلُوا دِ بَاشَنْدُ وَيَكُولُ مِّنْ مُولُ وَكَلَّذُ مِبَا صُنَّل حُدايَثُكُر هَهٰلِ مُرْصِ لِلهِ لِوَ وَعَلَاجِ أَنْ صَعَبَ وَ إِنْشَلَ بِاللَّهِبِينِ عَالِمَ زِيَادِينَ ذَكَا سِنْعِلَا يَجْرَفَعَ مَهُن مَى وَكُوشِنْ مَا بِلُدُ وَحَرِفِلُ مَعْمَ وَى فَرَ بَاشَل مُعَنَى مُلَّ فِعِ مَا مَا حَبِكَ رَفَقُ وَبَكُ طائد بابك دسك آئلانعك فالكردة فام فاعتودوا كددك غضم مضروف وادد ناحندالنَّاسَ كموُم وَعَيْدَاللَّهُ مَسُول ومُعَاصِّاتَ البَّدَيْرِ وَاضِرَبَ كَدَامِنَ اعْلَى وتا لحاجلاميان اذكرك ونهضت إنعشون اجلام كالننكرة إمينان دا دادع كظ بنغث فغ وَنَعَهُ وَاصِلهِ ادْعِ وَاذْ وَمُرورُودُ انْ ذُواكُ مُعَلَّثُ مِهِ الْمُعَكِّدُ رست اد وظالف شخصت كشبك و د و كنظم الم الم ومفضود تعي اشه و ارم فعاعل وتكاهل كدر انمورد حامره عبر مشروع مبالم م المتران دواك مفائف لصالعه عبرا كمتاءا والماحك وفيام بوى ابن داعيان متردد وادهرم بريحضوريم معها كالامدوادى دادع كدادهم عاليكروانفاس فاستبر اعظ اندفات عفاقة لكدف قَرْمَغُوْد وادّ لانْ كَانُود مَلَادَعُ وَلَعَوْن وَحْسَ نَالْهَدْ جَلَانْ الْمَلِكَ لَكُ لُكُ تُحْ اسلام مَفْسِدًا للروكِ فل أنوت إنا السعرَّت وَسَعا دَمَن المَجَعْث مَا لَهُ وَإِنْ اللَّيْنِ مراسلات بمى مَلَدُ دُعَات وسُعَراء منْحَدِي الْمَلافَ فَقَاصِات مُسْاعِيَ وَعُضا لَيْهِمْ ا









نامه هيئت علميه تهران به حاج اَقا نورالله درباره قيام ايشان عليه رضاخان

به عرض مقدس عالی می رساند: پرواضح است که غایة آمال خسران ملل دشمنان به حکم تعاند و تضاد امحا[ء] آثار اسلام و علما[ء] اعلام است و در این ایام به سبب ازدیاد قوه مالی و اعتبار جاهی و اعتماد خارجی زیاده از ماسبق جری و متعرض نوامیس اسلام و علما[ی] اعلام، قولاً و کتباً و عملاً شدهاند؛ ولی هنوز، به حمدالله و المنه، به حکم فقذف فی قلوبهم الرعب، قلوبشان از نهضت و قیام علما[ی] اعلام دشمنان اسلام چون بید لرزان است پس بر کافه حجج اسلام و حفاظ شرع انور حضرت خیرالانام و اجل و متحتم است که، با عزم راسخ و قدم ثابت در مقام مدافعه از دشمن و مدد غیبی امیدوار باشند. و به طول مدت ملول و مکدر نباشند؛ چه آنکه، هر قدر مرض شدیدتر و علاج آن صعبتر باشد باید طبیب معالج زیادتر در هر قدر مرض کوشش نماید و هرقدر خصم قوی تر باشد شخص مدافع مادامی که رمق در بدن دارد باید دست از مدافعه برندارد و تمام قوای مدافع مادامی که رمق در بدن دارد باید دست از مدافعه برندارد و تمام قوای خود را در رفع خصم مصروف دارد تا عندالناس ملوم و عندالله مسئول و

البته پر واضح است این داعیان و تمام اسلامیان از حرکت و نهضت آن حصون اسلام کمال تشکر و امتنان داریم و نیل به نعمت فتح و نصرت را امیدواریم و از یوم ورود آن ذوات مقدسه به بلده طیبه دست از وظایف شخصیه کشیده و در تحصیل مرام و مقصود سعی داشته و داریم. و تقاعد و تکاهل را در آن مورد حرام و غیر مشروع میدانیم. البته آن ذوات مقدسه تصدیق می فرمایید که تمام ابواب حرکت و قیام بر روی این داعیان مسدود و از همه جهت محصوریم. معهذا کمال امیدواری را داریم که از همت عالیه و انفاس قدسیه آن ذوات مقدسه مغلوب نگردیم و بعون الله و حسن تاءییده چندان طول نکشد که حجج اسلام مقضی المرام به وطن ماءلوف با نهایت عزت و سعادت مراحمت نمایند و به ارسال مراسلات مسامحه و مضایقه نفرمایند و داعیان را به دستورات لازمه و هرگونه مؤثری [؟] و

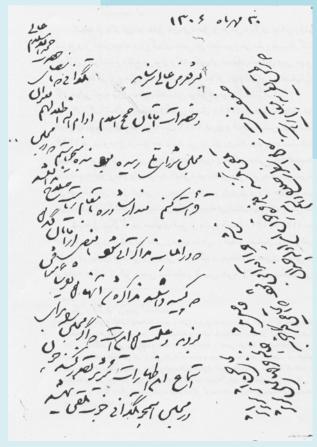
فرمایشی قرین استظهار و تشکرات فائقه فرموده و بفرمایند و پیوسته در مظان استجابت دعوات نصرت آن ذوات مقدسه را مسئلت داشته امید است انشاءالله تعالی آن ذوات مقدسه هم این داعیان را از دعای خیر فراموش نفرمایند زیاده والسلام علیکم و علی من نصرکم واطال الله اعمالکم و اخزی اعدائکم بالنبی و آله. هیئت علمیه تهران

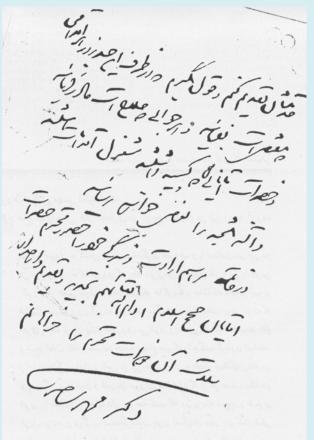
حمايت هيئت علميه مركز از قيام حاج أقا نورالله

بسمالله الرحمن الرحيم

بعرض عالى مىرساند

مرقومه شریفه آن ذوات مقدسه، که منبی بر خیرخواهی عامه مسلمین و اظهار همدردی و همقدمی این داعیان بوده زیارت و ضمناً به سعادت ملاحظه بيانات حقه و اقدامات عاليه أن وجودات محترم نائل خيلي مورد تعجب و تاءسف واقع گردید که آقایان عظام دامت برکاتهم گمان فرمودند و يا احتمال دادند كه أقايان هيئت مقدسه علميه مركز اعلى الله كلمتهم بدین بلیه عظمی عمومی و مصائب مسلمین شرکت ندارند و یا غفلت از اداء وظایف خود دارند چگونه تصور می رود یا ممکن است توهم شود که از چنین شدائد و گرفتاری نوعی و ناله و استغاثه بیچارگان و بیوه زنان تغافل و تکاهل و تساهل نمود و به هیچوجه در مقام چارهجوئی و رفع نگرانی و اضطراب اهالي هر بلدي از بلاد اسلاميه برنمي آيند، حاشا ثم حاشا. البته به عرض اقایان اعلام عظام رسیده که قریب یک ماه است که تمام اقایان حجج اسلام و حصون ايمان دامت بركاتهم از تمام امورات شخصيه و مشاغل نوعیه خود دست برداشتهاند و متفقاً بکلمه واحده در مقام چارهجویی و اصلاح و انجام مقاصد مشروعه كه اساساً راجع است به حفظ نواميس اسلامیه و ودایع الهیه و جلوگیری از هر قبیل قوانینی که برخلاف قوانین مقدسه اسلام وضع شود قيام و اقدام دارند؛ بالاخص در قضيه نظام اجباری که فوق العاده از حد تحمل خارج و طاقت فرساست امید است که به همم عالیه آن ذوات مقدسه و جدیت کامله و پافشاری در رفع این قانون جابرانه خانمان ویران کن شود، انشاءالله تعالی. البته از هیچگونه اقدامات





مقتضیه و ارجاع اوامر مقدسه خودداری نخواهد شد و همواره مزید مجلس همچو تلگرافی خوب تلقی نمی شد به جای حسن اثر سوءاثر توفیقات و تأییدات کامله آن ذوات مقدسه را خواهانیم. حاصل می شدد که

هيئت علميه مركز

نامه دکتر مصدق به رهبران قیام

۳۰ مهرماه ۱۳۰۶

به شرف عرض عالی می رساند. تلگرافی که به امضای حضرت حجت الاسلام عالی و حضرات آقایان حجج اسلام ادام الله اظلالهم به عنوان مجلس شورای ملی رسیده بود بنده می خواستم که در مجلس قرائت کنم. بعد از مشاوره با مقام ریاست، صلاح نداستند که در این باب مذاکراتی شود. با بعضی از آقایان دیگر هم که کپیه داشتند مذاکره شد آنها هم تقریباً موافق بودند و علت هم این است که اگر مجلس را برای استماع این اظهارات مؤثر تصور کنند چون در



در خاتمه مراسم ارادت و بندگی خود را حضور محترم حضرات آقایان حجج اسلام ادامالله بقائهم تجدید و تقدیم و از خداوند سلامت آن ذوات محترم را خواهانم.

دكتر محمد مصدق

